

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از اوّل سوره شروع کنیم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». یک روایت بخوانم؛ «وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ عَنْهُ أَنَّهُ

شَرَحَ لَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ حِينَ أَقْبَلَ ظَلَامُهَا حَتَّى اسْفَرَ صَبَاحُهَا فِي شَرْحِ الْبَاءِ مِنْ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَمْ يَتَقَدَّمَ

إِلَى السَّيْنِ وَقَالَ لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ أَرْبَعِينَ بَعِيراً مِنْ شَرْحِ بِسْمِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> ابن عباس از امیرالمؤمنین علیه السلام

روایت کرد که یک شب حضرت امیر علیه السلام از اوّل زمانی که آسمان تاریک می شد، تا وقتی که صبح

دمید، به شرح «ب» اوّل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پرداختند و وارد شرح «سین» نشدند و به شرح

«سین» نرسیدند که صبح شد و فجر طالع شد. بعد امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر اراده کنم، بار

چهل شتر را از شرح «بِسْمِ اللَّهِ» سنگین و پُر می کنم. پس بدانیم وقتی می گوییم «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ»، چه اقیانوس بی کرانه ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند اگر بخواهم بار چهل شتر

را در شرح «بِسْمِ اللَّهِ» پُر می کنم! که در هر بار شتر چقدر کتاب و نوشته جا می گیرد؟! تازه حضرت

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را هم نفرمودند. فرمودند «مِنْ شَرْحِ بِسْمِ اللَّهِ». از این بار شتر را پُر می کنم، یک

تعبیر داشته باشم. داریم مؤمن، مؤمن نیست (روایت آن را قبلاً در شرح مصباح برایتان خوانده ام)

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحار، ج ۴۰، ص ۱۸۶ و حافظ برسی، مشارق الأنوار، ص ۱۲۵.

مگر این که خلق را کالاًبَاعِر<sup>۲</sup>؛ مثل شترها ببینند. اَبَاعِر جمع بَعِير است. با توجه به این نکته، روایت معنای خاصی پیدا می‌کند. این شتر معمولی و بار شتر معمولی نخواهد بود؛ بلکه گنجایش روح مؤمن خواهد بود. ظرفیت روحی هر مؤمن چقدر است؟ چهل تا از اینها را روی هم بگذاریم. چهل هم به معنای عدد کثرت است؛ الزاماً به معنای ۱+۳۹ (سی و نه به اضافه‌ی یک) نیست. ببینید چه ظرف عظیمی می‌شود! این تعبیری از روایت و سخن امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است.

حدیث معروفی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ راجع به «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است که شیعه و سنی هر دو نقل کرده‌اند؛ که خود امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُذْكَرْ «بِسْمِ اللَّهِ» فِيهِ فَهُوَ أُبْتَرُ.»<sup>۳</sup>

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: رسول خدا برای من امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از خدای عزّ و جلّ نقل فرمودند که خدای عزّ و جلّ فرمود: هر امر که در آن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یاد نشود، - اهل سنت به این صورت نقل کرده‌اند که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع نشود - اَبْتَر یعنی ناقص خواهد بود و آن امر به نتیجه نمی‌رسد. این که معنی این حدیث یعنی چه، وقتی به معنای «بِسْمِ اللَّهِ» نزدیک شویم، می‌فهمید که این «بِسْمِ اللَّهِ» است که در عالم کار می‌کند؛ «بِسْمِ اللَّهِ» همه‌ی

<sup>۲</sup>. فیض کاشانی، محجّة البیضاء، ج ۸، ص ۱۴۷ و نعمت الله جزایری، انوار التعمانیة.

<sup>۳</sup>. امام عسکری، تفسیر منسوب، ص ۲۵.

کارها انجام می‌شود؛ پس اگر کاری «بِسْمِ اللَّهِ» انجام نشود، طبیعتاً به نتیجه نمی‌رسد. امیدواریم در مرورهایی که مکرر روی این سوره می‌کنیم، راز این روایت و حدیث هم گشوده شود.

هر چیز دو جنبه، جهت و رویه دارد. یک جنبه، رویه‌ی رو به خداست که اصطلاحاً بدان جنبه‌ی یَلِی الرَّبِّی گفته می‌شود. آن وجهه‌ی رو به خدای هر چیز و جهت اسمُ اللّٰهِی است که خداوند چیزها را با آن خلق می‌کند و پدید می‌آورد. جنبه‌ی ارتباط هر چیز مستقیماً با ذات اقدس ربوبی، جنبه‌ی یَلِی الرَّبِّی آن چیز است. جهت و رویه‌ی دیگر، جنبه‌ی یَلِی الخَلْقِی است؛ جهت رو به خود هر چیز است؛ جهت نفس خود آن چیز است. پس هر چیز دو جهت دارد.

«ب» در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اگر به معنای باء استعانت باشد، یعنی «أَسْتَعِينُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ یعنی من طلب یاری می‌کنم به اسمِ اللهِ رحمانِ رحیم. استعانتِ به اسمِ اللهِ این است که انسان بتواند همان جنبه‌ی اسمِ اللّٰهِی و رو به خدایی اشیاء را در جهان خارج بشناسد و با آن به ذات اقدس الهی توجّه کند. آن استعانت این است که با بِسْمِ اللَّهِ یعنی با آن وجهه، از خدا استعانت بجوید. آن وجهه را بشناسد؛ عارف به وجهه‌ی رو به خدایی خودش و همه‌ی عالم شود و با آن به خدا توجّه کند و استعانت بجوید. این با بِسْمِ اللَّهِ استعانت و مدد جستن از خداست. پس اسم چیزی است که واسطه‌ی بین خدا و اشیاء است. جنبه‌ی رو به خدایی هر چیز، جنبه‌ی اسمُ اللّٰهِی آن است و در اعطای فیوضات ربّانی و کمالات به هر شیئی واسطه است. خدا از طریق جنبه‌ی اسمُ اللّٰهِی به هر چیز وجود و کمالات وجود می‌دهد. اگر اسم این باشد، اسم اعظم خدا که این همه

افراد دنبال آن می‌گردند، چه خواهد بود؟ اسم اعظم، اعظم اسماء است. به تعبیر حکما، اسم اعظم، صادر اول، عقل اول، نور اول است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسم اعظم خدای متعال است. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که مقام مشیت و واسطه‌ی بین حق و جهان خلقت است. چون فرمودند: «خَلَقَ اللهُ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ، وَ خَلَقَ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا»<sup>۴</sup> خدا اشیاء را با مشیت آفرید؛ اما مشیت را بِنَفْسِهَا آفرید. یعنی در آفرینش مشیت، هیچ واسطه‌ای نبوده؛ اما در آفرینش جهان خلقت، مشیت واسطه است. این مشیت، حقیقت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که به تعبیر مختلف، صادر اول، عقل اول، نور اول، اول ما خَلَقَ اللهُ گفته می‌شود. «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ: أَوَّلُ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مَا هُوَ؟ فَقَالَ: نُورٌ نَبِيِّكَ يَا جَابِرُ»<sup>۵</sup> جابر بن عبدالله انصاری گفت به پیامبر عرض کردم: نخستین چیزی که خداوند آفرید، چه بود؟ فرمود: نور پیامبر تو بود ای جابر. این مقام مشیت است. بقیه‌ی چهارده معصوم هم به خاطر اتحادی که با حقیقت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارند، همین منزلت و جایگاه را دارند. اگر کسی در مسیر سلوک، نفس و فکر خود را از همه‌ی آلودگی‌ها، آلودگی به گناه و آلودگی به خیالات و تفکرات باطل و اوهام که بر فکر و ذهن او عارض شده است، دور و پاک کند؛ بعد از این که این حجاب‌ها را از روح خود کنار زد، نور محمد و آل محمد صلوات الله عليهم أجمعين را می‌تواند ببیند و بشناسد؛ و از رهگذر این معرفت می‌تواند به آن حقیقت نورانی وصل شود و روح خود را به روح آنها متصل کند. آن وقت می‌تواند از مقام روحانیت و نور آن بزرگواران استضاء کند و بهره بگیرد. اگر کسی به اینجا برسد و به حقیقت پیامبر اکرم و

<sup>۴</sup>. سلیمانی آشتیانی و درایتی، مجموعه‌ی رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

<sup>۵</sup>. دیلمی، غرر الأخبار، ص ۱۹۵.

اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله عليهم اجمعين وصل شود، از شیعیان مقرب اهل بیت عليه السلام است و از اولیای خدا خواهد بود. شاید مقصود از این بحث که انسان اسم اعظم را بشناسد، همین باشد؛ چون حقیقت اسم اعظم همان حقیقت پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. معرفت اسم اعظم این نیست که چند تا حرف را کنار هم بگذاریم یک کلمه بسازیم؛ یا چند کلمه را کنار هم بگذاریم یک عبارت بسازیم و بگوییم این اسم اعظم است. آن حقیقت در عالم، اسم اعظم است و معرفت اسم اعظم، یعنی معرفت آن حقیقت نورانی. اگر کسی آن حقیقت را شناخت و با چنین معرفتی به خدا توجه کرد، همه‌ی دعاهايش مقبول و همه‌ی خواسته‌هايش برآورده است. این یک تعبیر از اسم در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است.

دو روایت برایتان بخوانم؛ یکی راجع به باءِ «بِسْمِ اللَّهِ»؛ داریم «عَنِ الْبَاءِ ظَهَرَ الْوُجُودَ، وَ بِالنَّقْطَةِ تَبَيَّنَ [يا تَمَيَّزَ (هر دو شکل روایت شده است)] اَلْعَابِدَ عَنِ الْمَعْبُودِ»<sup>۶</sup> یعنی همه‌ی عالم وجود با باء ظاهر شد؛ یعنی جهان خلقت با همان «ب» خلق شد. پدید آمدن همه‌ی عالم وجود با آن باء واقع شد و با نقطه‌ی زیر «ب»، عابد که خلقت و معبود که حق است، از یکدیگر متمایز شدند؛ یعنی مرز بین عابد و معبود، بین خلق و حق، آن نقطه است. آن نقطه چیست؟ منسوب به امیرالمؤمنین عليه السلام است؛ فرمودند: «أَنَا النَّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ الْمَبْسُوطَةِ»<sup>۷</sup> نقطه‌ای که زیر باء است، من امیرالمؤمنین

۶. سید حیدر آملی، جامع الاسرار، ص ۵۶۳.

۷. حافظ برسی، مشارق الأنوار، ص ۳۱.

عَالَمًا هستیم؛ که همان مقام مشیت‌اند. این نقطه مرز بین عابد و معبود است و همان مقام مشیت است؛ واسطه‌ای است که همه‌ی فیوضات از طریق او و به وساطت او به همه‌ی عالم خلقت می‌رسد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ این که به خدا، رحمان گفته شده است؛ رحمان به اعتبار این است که رحمت رحمانیه‌ی حقّ متعال سبب آفرینش همه‌ی مخلوقات شده است. رحمت رحمانیه‌ی حق بود که عالم خلقت را آفرید. لذا به خدا رحمان می‌گویند چون همه‌ی عالم نتیجه‌ی رحمت رحمانیه‌ی اوست. چرا به خدا رحیم گفته می‌شود؟ از این جنبه به خدا رحیم گفته می‌شود که رحمت قائم به ذات حقّ متعال است، قیام به ذات اقدس حق دارد. به اصطلاح عرفان نظری، رحمت رحمانیه‌ی حقّ متعال، افاضه‌ی وجود مُنَبِّسِطٍ به همه‌ی موجودات است؛ یعنی هستی‌بخش به همه‌ی عالم؛ رحمت رحمانیه است که همه‌ی موجودات را ایجاد کرد و در نتیجه همه‌ی موجودات عالم هم رحمت حقّ متعالند؛ هر چه در عالم خلقت وجود دارد رحمت خدا هستند و آنچه سبب آفرینش آنها شده است، رحمانیت خدای متعال بوده است که به آنها هستی بخشیده است. رحمت رحیمیه به اعتبار این است که خدای متعال هدایت و کمال را در دنیا به بندگان مؤمنش افاضه کرد و در آخرت هم به آنها پاداش و ثواب و مدارج بهشتی عنایت خواهد کرد. به این اعتبار به رحمت رحیمیه‌ی حق توجّه می‌شود. این رحمت است که در دنیا مختصّ مؤمنان است؛ هدایت و کمال در دنیا شامل حال مؤمنان است و در آخرت مقامات بهشتی و درجات و ثواب و پاداش‌های الهی نصیب مؤمنان می‌شود.

رحمت رحمانیه مختصّ خدای متعال است؛ چون رحمت رحمانیه سبب ایجاد و خلق است و ایجاد و هستی بخشی مختصّ خدای متعال است. خداست که هستی بخش عالم است. اما تعبیر رحیمیت را برای خلق هم می شود به کار برد؛ چون آنجا بحث هدایت است. کمالین که قرآن راجع به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «وَبِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> تعبیر رحیم را برای پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم به کار برده است. چون رحیمیت از جنبه‌ی هدایت و کمال بخشی است، آن را می توان در مورد غیر خدا هم به کار برد؛ منتها به عنوان مظهر رحمت حق. یعنی هیچ رحیمی مستقل نیست؛ مجرای رحمت رحیمیه‌ی حق است؛ واسطه‌ی رحمت رحیمیه‌ی حق است؛ واسطه‌ی هدایت خلق و به کمال رساندن انسان‌ها و مؤمنین است و مستقل نیست.

یک روایت هم در مورد رحمت رحیمیه‌ی حق بخوانم که خودم خیلی لذت بردم. روایت مفصل است؛ یک قسمت آن را برایتان می خوانم. «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَحِيمٌ بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» خدا به بندگان مؤمن خود رحیم است. رحمان به همه‌ی مخلوقات است؛ اما رحیم به همه‌ی بندگان مؤمن خود. «وَمِنْ رَحْمَتِهِ أَنَّهُ خَلَقَ مِائَةَ رَحْمَةٍ» و از رحمت خدا این است که خدا صد رحمت آفرید. «وَجَعَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً فِي الْخَلْقِ كُلِّهِمْ» یکی از آن صد تا را بین همه‌ی مخلوقات پخش کرد. «فَبِهَا يَتَرَحَّمُ النَّاسُ» در اثر همان یک درجه رحمت که بین همه‌ی مخلوقات پخش شده است، مردم به هم احساس محبت دارند و رحم می کنند. «وَتَرَحَّمُ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا» و در اثر همان

<sup>۱</sup>. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۲۸.

یک درجه است که مادر نسبت به فرزندش مهربان و عطوف است. «وَتَحْنُو الْأُمَّهَاتُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ عَلَى أَوْلَادِهِنَّ» و حیواناتی هم که مادرند، به بچه‌ی خود توجه می‌کنند و تمایل دارند. «فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» وقتی روز قیامت می‌شود، «أَضَافَ هَذِهِ الرَّحْمَةَ الْوَاحِدَةَ إِلَى تِسْعٍ وَتِسْعِينَ رَحْمَةً» خدای متعال این یک درجه رحمتی که در دنیا بود را به نود و نه درجه رحمتی که پخش نکرده بود اضافه می‌کند؛ صد درجه‌ی کامل می‌شود. «فَيَرْحَمُ بِهَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ» و با آن صد درجه رحمت، به امت پیغمبر خاتم ﷺ رحم و مهربانی می‌کند. «ثُمَّ يُشَفِّعُهُمْ فِيْمَنْ يُحِبُّونَ لَهُ الشَّفَاعَةَ مِنْ أَهْلِ الْمِلَّةِ»<sup>۹</sup> نه تنها خود اینها کارشان درست می‌شود؛ بعد خدای متعال به افراد این امت اختیار شفاعت می‌دهد و خداوند شفاعت آنها را در حق هر کس از اهل این دین که شفاعت کردن در مورد او را دوست داشته باشند، می‌پذیرد. رحمت و مهربانی خدا را در دنیا چقدر دیدید؟ مهربانی خدا در آخرت صد برابر بیش از این است. این را گفتم که برخی که دلشان در فشار است، بفهمند در قیامت چه خبر است. یک روایت دیگر هست که در شراب طهور نوشتیم؛ بارها هم خوانده‌ایم. وقتی روز قیامت می‌شود، خداوند چنان بساط رحمت خود را می‌گستراند «حَتَّىٰ يَطْمَعَ ابْلِيسُ فِي رَحْمَتِهِ»<sup>۱۰</sup> تا کار به جایی می‌رسد که ابلیس هم که أمُّ الفساد است و همه‌ی گمراهی‌ها را او تدارک

<sup>۹</sup>. مجلسی، بحار، ج ۴، ص ۱۸۳ و امام عسکری، تفسیر منسوب، ص ۳۷.

<sup>۱۰</sup>. مجلسی، بحار، ج ۷، ص ۲۸۷ و صدوق، آمالی، ص ۲۰۵.



دیده است و مردم را اغوا کرده است، به رحمت خدا طمع می‌بندد. این قدر بساط رحمت الهی در قیامت گسترده است.

خود شخص باید مظهر و مصداق «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شود؛ نه این که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به عنوان لفظ بر زبان جاری کند. «الله» که مقام مطلق معبودیت حقّ متعال است، تجلّیش در عبد، ذلّ عبودیت است؛ عزّ ربوبیت در حق، ظهورش در عبد می‌شود ذلّ عبودیت. انیت و انانیت در او نیست؛ خودبینی و خودخواهی در او نیست؛ متوجّه فقر مطلق خود است؛ هیچ حول و قوّه‌ای در خود نمی‌بیند؛ در این عالم خود را هیچ‌کاره می‌بیند؛ همه‌ی حول و قوّه را از آن خدای متعال می‌بیند. ظهور حقیقت «الله» «بِسْمِ اللَّهِ» در عبد به این شکل است.

«الرَّحْمَنُ». رحمت رحمانیه‌ی خدا عامّ الشّمول است؛ هیچ کس از خوب و بد و از مؤمن و کافر را رد نکرده است؛ همه از حیوان و گیاه و جماد، از جنّ و انس و ملک سر خوان رحمت رحمانیه‌ی حق نشسته‌اند و همه ریزه‌خوار خوان رحمانیت حقّند. ظهور و مظهر رحمانیت حق شدن عبد وقتی است که او در جنبه‌های دنیوی به همه‌ی خلق مهربان است؛ نسبت به همه‌ی خلق خیرخواه است؛ برای همه‌ی خلق دلسوز است و درصدد کمک به نیازمندان است. چه در عمل که تلاش می‌کند نیاز آنها را برآورده کند؛ چه در مقام آرزو و دعا که آرزو می‌کند و دعا می‌کند مشکلات آنها برطرف و نیازهای آنها تأمین شود. جایی که می‌بیند آنها ناراحتند و غصّه می‌خورند، او هم با آنها غصّه می‌خورد؛ از ناراحتی دیگران دلش به درد می‌آید. این مظهر رحمان شدن عبد است.

«الرَّحِيم» در جنبه‌ی معنوی و آخروی است که درصدد هدایت خلق است؛ درصدد راهنمایی گمراهان است. به اهل گناه هم به دیده‌ی بغض نگاه نمی‌کند؛ به دیده‌ی ترحم نگاه می‌کند؛ دلش به حالشان می‌سوزد که اینها نمی‌فهمند که چگونه خود را نابود می‌کنند؛ چگونه به خود آزار می‌رسانند و خود صدمه وارد می‌کنند. حالت ترحم به اهل گناه دارد، نه حالت کینه و عداوت. در مقام سرزنش و زخم زبان زدن به آنها نیست. نمی‌خواهد آنها را شرمند کند. حتی اگر هم دید انسان اهل گناه، خرابکاری‌یی هم کرد، درصدد بر می‌آید به نحوی این خرابکاری را جبران و ترمیم کند. ظهور رحیمیت حق در عبد این‌گونه است. و بعد هم برای اهل گناه استغفار می‌کند. قرآن به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد برای مؤمنین و مؤمنات استغفار کن.<sup>۱۱</sup> اگر کسی بخواهد مظهر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شود، این ویژگی‌ها باید در او باشد.

در جنبه‌ی رحمانیت، خیرخواهی و خیررسانی به خلق در نیازهای مادی و دنیوی‌شان، آن هم مهربانانه، از سر محبت، واقعاً همه‌ی خلق را دوست داشته باشد و درصدد کمک به خلق برآید؛ و در جنبه‌ی رحیمیت، سعی در تأمین نیازهای معنوی و روحانی آنها با هدایت و راهبری و راهنمایی، و از آن طرف کمک به اهل گناه که گناه را ترک کنند و استغفار کردن برای گناهان آنها پیش خدا و واسطه شدن برای بخشیده شدن گناهانشان. این‌گونه مظهر رحمانیت و رحیمیت حق متعال شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۱۱</sup>. سوره‌ی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آیه‌ی ۱۹.